**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه256– 27 /01/ 1399 مراد از ثلاثة اشهر /مساله‌ی دهم /متن تکمله‌ی عروه /اقوال فقها**

**خلاصه‌ی مباحث گذشته:**

بحث در مساله‌ی دهم تکمله‌ی عروه و مراد از «ثلاثة اشهر» و نحوه‌ی محاسبه‌ی آن بود. بعضی از روایات صد و بیست روز را چهار ماه بیان کرده بودند. ممکن است به این روایات اشکال شود. در این جلسه به اشکال و پاسخ آن می پردازیم.

# اشکال به روایاتی که «شهر» را سی روز گرفته اند

در روایاتی که در جلسه‌ی قبل بیان شد چنین تعبیراتی آمده است: فَإِذَا تَمَّتِ الْأَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ[[1]](#footnote-1) یا فَإِذَا كَمَلَ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ[[2]](#footnote-2) ممکن است گفته شود در این روایات کامل شدن چهار ماه بیان شده است و ماه کامل، ماه سی روزه می باشد و به خاطر این قرینه ماه سی روز است.

## پاسخ به اشکال

با صرف نظر از این که «تم» و «کمل» به معنای ماه کامل می باشد یا نه، در همین روایات تعبیرات خاص دیگری در کنار این تعبیرات آمده است. مثلا در روایت قرب الاسناد چنین آمده است:

قَالَ الْبَزَنْطِيُ‏: وَ سَأَلْتُهُ أَنْ يَدْعُوَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لِامْرَأَةٍ مِنْ أَهْلِنَا بِهَا حَمْلٌ. قَالَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الدُّعَاءُ مَا لَمْ يَمْضِ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ». فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّمَا لَهَا أَقَلُّ مِنْ هَذَا. فَدَعَا لَهَا ثُمَّ قَالَ: «إِنَّ النُّطْفَةَ تَكُونُ فِي الرَّحِمِ ثَلَاثِينَ يَوْماً، وَ تَكُونُ عَلَقَةً ثَلَاثِينَ يَوْماً، وَ تَكُونُ مُضْغَةً ثَلَاثِينَ يَوْماً، وَ تَكُونُ مُخَلَّقَةً وَ غَيْرَ مُخَلَّقَةٍ ثَلَاثِينَ يَوْماً، فَإِذَا تَمَّتِ الْأَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ بَعَثَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَيْهَا مَلَكَيْنِ خَلَّاقَيْنِ، يُصَوِّرَانِهِ وَ يَكْتُبَانِ رِزْقَهُ وَ أَجَلَهُ وَ شَقِيّاً أَوْ سَعِيداً»[[3]](#footnote-3)

اولا عبارت مَا لَمْ يَمْضِ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ با «تمت» به یک معنا گرفته شده است و در مَا لَمْ يَمْضِ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ ماه کامل نیامده است.

ثانیا این چهار ماه همان زمانی است که روح دمیده می شود و در روایات دیگر بیان شده است که در چهار ماهگی روح دمیده می شود و تعبیر «تمت» ندارد:

«عَنْهُ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَال‏: ... إِذَا سَكَنَتِ النُّطْفَةُ فِي الرَّحِمِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ أَنْشَأَ فِيهِ الرُّوحُ بَعَثَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَيْهِ مَلَكا ...»[[4]](#footnote-4)

روایات وشاء از علی بن ابی حمزه برای قبل از وقف او می باشد؛ در نتیجه روایت از نظر سندی معتبر می باشد.

در کافی هم همین مضمون آمده است:

«... وَ إِذَا سَكَنَتِ النُّطْفَةُ فِي الرَّحِمِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ أُنْشِئَ فِيهَا الرُّوحُ بَعَثَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَلَكا ...»[[5]](#footnote-5)

# ضابطه‌ی هلالی یا عددی گرفتن ماه

در بعضی موارد ماه را عددی گرفته اند و در بعضی موارد هلالی؛ سوال این است که ضابطه‌ی هلالی یا عددی گرفتن ماه چیست؟

در جایی که امر تکوینی مطرح است و این امر به مقدار زمان وابسته است، مانند دمیده شدن روح که یک امر تکوینی است، مراد از «شهر»، ماه عددی می باشد و خیلی بعید است که ماه هلالی باشد که وابسته به سی روزه یا بیست و نه روزه بودن ماه است. در نتیجه چهار ماهی که روح در جنین دمیده می شود، چهار ماه عددی و صد و بیست روز می باشد. روایت داریم: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: السِّقْطُ إِذَا تَمَ‏ لَهُ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ غُسِّلَ.

در این روایت هم چهار ماه عددی و صد و بیست روز مراد است؛ زیرا به دمیده شدن روح که وابسته به گذشت چهار ماه است، اشاره دارد.

اما در جایی که امر تعبدی مطرح است، این امر تعبدی ممکن است تابع ماه های هلالی یا ماه های عددی باشد.

مرحوم آقای حکیم در منهاج الصالحین می فرماید:

الفصل الثالث في الكفارات‌

و هي مرتبة و مخيرة و ما يجتمع فيه الأمران و كفارة الجمع فالمرتبة كفارة الظهار، و قتل الخطأ، و يجب فيهما عتق رقبة فإن عجز صام شهرين متتابعين[[6]](#footnote-6)

شهید صدر ذیل شهرين متتابعين می فرماید:

هلاليين و لو بالتلفيق فان بدأ في أثناء شهر صام من الثالث ما فاته من الأول و الميزان الكلي في الشهر المأخوذ في لسان الأدلة أن ظهوره الاولى في الشهر الهلالي و إذا ساعد الارتكاز العرفي على إلغاء الخصوصية شمل الدليل الشهر الهلالي الملفق و لكن إذا ورد في دليل اناطة حكم بعنوان شهر واحد كالإتمام المنوط بالتردد شهرا فحيث ان التردد أمر لم يؤخذ فيه الوقوع في أول الشهر الهلالي و لا يراد فيه شرعا ذلك يحمل على الشهر بالمعنى العددي بهذه القرينة- مضافا الى النص المصرح بثلاثين يوما- و هذا بخلاف ما إذا طلب الاعتداد بثلاث شهور مثلا عند الطلاق فان الطلاق و ان كان امرا لم يؤخذ فيه الوقوع في أول الشهر الهلالي و لكن حيث ان ثلاثة أشهر تشتمل حتما على شهرين هلاليين فيكون الحمل على شهرين هلاليين مع الالتزام بالتلفيق أحيانا في الثالث أقرب عرفا.[[7]](#footnote-7)

شهید صدر بین دو مورد تفصیل قائل شده است؛ یکی جایی که مراد «شهر» واحد باشد و معلوم باشد که مراد «شهر» هلالی نیست که از اول هلال تا آخر آن اراده شده باشد. دیگر جایی که بیش از یک «شهر» باشد.

ایشان می فرماید: در «شهر» واحد که از ابتدای هلال نیست، از ابتدای هلال نبودن قرینه بر عددی بودن است.

اراده نشدن ماه هلالی چگونه قرینه می شود که عددی لحاظ شده باشد؟ ممکن است ملفق اراده شده باشد. در واقع اعم از عددی و ملفق می باشد.

در مورد ثلاثة أشهر می فرماید: از این جهت که مشتمل بر دو ماه هلالی است، ماه اول هم هلالی در نظر گرفته شده و با ماه چهارم تلفیق می شود.

اشتمال بر دو ماه هلالی نمی تواند قرینه بر هلالی و ملفق بودن ماه اول باشد.

به حسب تناسبات حکم و موضوع گاهی بحث حول فاصله‌ی زمانی است که این امر صرفا تعبدی نیست. مثلا مسافری که تا یک ماه در اقامتش تردید دارد، یک بحث تعبدی صرف نیست و دارای جهت عقلایی است که ماندن در یک محل موجب ملحق شدن به اهل آن محل می شود و ملحق شدن شخص با گذشت بیست و نه روز، در صورتی که ماه ناقص باشد و ملحق شدن او با گذشت سی روز در صورتی که ماه کامل باشد، امر مستغربی است؛ در نتیجه دلیل، ظهوری در «شهر» هلالی ملفق ندارد. البته «شهر» در این موارد ذاتا ظهور در «شهر» عددی ندارد؛ بلکه اجمال وجود دارد که مراد از «شهر» ماه ملفق است یا ماه عددی می باشد. در بحث نماز مسافر اکثر روایات «شهر» را ملاک قرار داده است و فقط روایت ابی ایوب تعبیر «ثلاثین یوما» دارد و مبین می باشد و اجمال روایات دیگر را بر طرف می کند. برخی در این بحث تعبیرِ «حمل مطلق بر مقید» را بیان کرده اند به این صورت که «شهر» اعم از عددی و هلالی می باشد و به واسطه‌ی روایت ابی ایوب به ماه عددی مقید شده است. این بیان صحیح نمی باشد و این مساله حمل مجمل بر مبین می باشد. در مباحث اصول تفاوت این دو را بیان کرده ایم.

در نتیجه در مواردی که «شهر» در یک موضوع تکوینی یا تعبدیِ بر مبنای تکوین اخذ شده باشد و فاصله مهم باشد، خیلی بعید است، ماه هلالی اراده شده باشد و ظهور «شهر» در این موارد در ماه عددی است. مثل دمیده شدن روح در جنین پس از چهار ماه که از روایات هم استفاده می شود، عددی لحاظ شده است و پس از صد و بیست روز روح دمیده می شود.

اما اگر موضوعی که «شهر» در آن اخذ شده است، تعبدی باشد، ظهور «شهر» در ماه هلالی است.

# استدلال بر عددی لحاظ کردن «شهر» در «ثلاثة اشهر»

ممکن است در بحث طلاق گفته شود که «ثلاثة اشهر» باید به صورت عددی لحاظ شود؛ زیرا اصل عده سه قرء می باشد و در زنی که حیض نمی بیند، سه ماه می باشد. در قرء هم طبق روایاتی که در مورد مبتدئه بیان شد، شارع در هر ماه عددی یک قرء قرار داده است به این صورت که زن باید ده روز اول را حیض قرار دهد، سپس بیست روز استحاضه و در ماه بعد سه روز حیض و پس از آن بیست و هفت روز استحاضه؛ یا بر اساس مرسله‌ی یونس شش یا هفت روز حیض و بیست و سه یا بیست و چهار روز استحاضه باید در نظر گرفته شود که به صورت عددی در نظر گرفته شده است.

در «ثلاثة اشهر»، «شهر» به جای حیض می باشد و باید سی روزه در نظر گرفته شود.

## اشکال بر استدلال

این بیان صحیح نیست؛ زیرا در صورتی که انتهای طلاق در ابتدای هلال باشد، عامه و خاصه متفقند که «ثلاثة اشهر» هلالی در نظر گرفته می شود.

همچنین در بحث حیض این طور نیست که همه جا عددی لحاظ شده باشد، مثلا در بحث معتده‌ی وقتیه ظاهر کلمات فقها این است که «شهر» هلالی ملاحظه شده است.

در پزشکی گفته شده که دوره‌ی پریود و حیض زن به طور طبیعی بیست و هشت روز می باشد که از سی روز کمتر است.

در مورد معتده‌ی وقتیه در صحیحه‌ی ابی بصیر چنین آمده است:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام‏ فِي الْمَرْأَةِ تَرَى‏ الصُّفْرَةَ فَقَالَ إِنْ كَانَ قَبْلَ الْحَيْضِ بِيَوْمَيْنِ فَهُوَ مِنَ الْحَيْضِ وَ إِنْ كَانَ بَعْدَ الْحَيْضِ بِيَوْمَيْنِ فَلَيْسَ مِنَ الْحَيْض‏[[8]](#footnote-8)

یعنی تا دو روز قبل از زمان حیض در صورت دیدن «صفرة» باید آن را حیض قرار دهد. اگر ماه سی روزه باشد، روز بیست و هشتم امکان دارد زن حائض شود و اگر ماه بیست و نه روزه باشد، روز بیست و هفتم امکان دارد زن حائض شود. یعنی از بیست و هفتم تا سی ام ممکن است زن حیض ببیند؛ در نتیجه مشخص نیست که ماه، عددی در نظر گرفته شده باشد، بلکه ممکن است هلالی در نظر گرفته شده باشد که مطابق متوسط دوره‌ی پریودی است که در علم پزشکی گفته شده است.

در نتیجه در بحث حیض، «شهر» فقط به صورت عددی لحاظ نشده است.

1. [قرب الاسناد، الحمیری، ص 353](http://lib.eshia.ir/71553/1/353/%D8%AA%D9%8E%D9%85%D9%91%D9%8E%D8%AA%D9%90) [↑](#footnote-ref-1)
2. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص13.](http://lib.eshia.ir/11005/6/13/%DA%A9%D9%85%D9%84) [↑](#footnote-ref-2)
3. [قرب الاسناد، الحمیری، ص 353](http://lib.eshia.ir/71553/1/353/%D8%A7%D9%84%D9%86%D9%91%D9%8F%D8%B7%D9%92%D9%81%D9%8E%D8%A9%D9%8E) [↑](#footnote-ref-3)
4. [المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، ج2، ص315.](http://lib.eshia.ir/15101/2/315/%D8%B3%DA%A9%D9%86%D8%AA) [↑](#footnote-ref-4)
5. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج1، ص386.](http://lib.eshia.ir/11005/1/386/%D8%B3%DA%A9%D9%86%D8%AA) [↑](#footnote-ref-5)
6. [منهاج الصالحین، سید محسن حکیم، ج 2، ص 338](http://lib.eshia.ir/86915/2/338/%D8%A7%D9%84%D9%81%D8%B5%D9%84) [↑](#footnote-ref-6)
7. [منهاج الصالحین، سید محسن حکیم، ج 2، ص 338](http://lib.eshia.ir/86915/2/338/%D8%A8%D8%AF%D8%A3) [↑](#footnote-ref-7)
8. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص78.](http://lib.eshia.ir/11005/3/78/%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%BA%DB%8C%D8%B1%D8%A9) [↑](#footnote-ref-8)